

خوانش حقوقی-مقایسوی از جنبش مشروطیت ایران و افغانستان

داکتر سمیعی^۱

چکیده

مشروطه‌خواهی در واقع «فکر قانون‌خواهی» است که قدرت فائقه حُکام را از او می‌ستاند و بر آن قالبی نو می‌آراید و چنان توزیع بخردانه می‌نماید که هرگز هوس خودسری نکنند. این تحول تاریخی با ایجاد جریان‌های روشنفکری در پی‌سازوکاری برای تحدید قدرت شاه بودند که حقوق‌دانان آن را «جریان محدودسازی قدرت در یک سرزمین خاص» می‌دانند که با در نظر داشت وضعیت جاری آن کشور اتفاق می‌افتد. این نهضت در دو کشور همسایه-افغانستان و ایران نیز رخ داد و به لحاظ تاریخی وجوه اشتراک زیادی دارند. این مقاله با استفاده از روش پژوهش مزجی تلاش کرده است، از منظر تطبیقی با رویکرد خوانش حقوقی، ضمن بررسی وجوه تشابه و تفارق، اسباب و زمینه‌ها، مردان، اهداف و دست‌آوردهای هر دو نهضت مشروطیت را برجسته کند. روشنفکران نهضت مشروطه‌خواهی ایران و افغانستان جنبشی که در سایر کشورها از جمله: انگلیس، امریکا، و فرانسه تحت عنوان: قانون‌اساسی‌گرایی اتفاق افتاده بود، آن را به مشروطیت معنا کردند، حالا اینکه این لفظ بیشتر به معنای قانون‌اساسی‌مداری نزدیک‌تر است. اینک و پس از بیش از یک‌سده ایرانی‌ها و افغان‌ها هنوز هم دغدغه‌های دارند که ناشی از این جنبش‌ها است؛ اینکه مشروطه‌خواهان چه درک و فهمی از این نهضت داشتند. مطالعات نشان می‌دهد، یکی از دلایل اصلی که پیشگامان مشروطه‌خواه آن لفظ را به مشروطه‌خواهی معنا کردند، نه بخاطر عدم درک و فهم سطحی نخبگان از مشروطه و محدودیت‌های زمانی بوده، بلکه بیشتر بخاطر کنش‌واکنش و حساسیت‌های اجتماعی-فرهنگی آن زمان به کلمه «قانون» بوده است.

کلیدواژه‌ها: مشروطه، محدودسازی، قانون، دولت، استبداد، سلطنت، قدرت.

مارتین لاگلین حقوقدان برجسته‌ی حقوق عمومی در دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی لندن، مشروطیت را جنبشی فکری و سیاسی می‌داند که در سده هجدهم در آمریکای شمالی و اروپای غربی به تکامل رسید و منشأ انقلاب‌های سیاسی و تشکیل نظام‌های سیاسی مبتنی بر قانون اساسی شد.^۱ مشروطه یعنی تحدید قدرت حاکم مستقل با ابزارهای حقوقی می‌باشد و دولت مشروطه در پی محدود کردن دولت مطلقه است.^۲ بعضی از حقوقدانان دیگر، مشروطیت را به معنای اتکای نظام سیاسی بر قانون اساسی و تحدید و تقييد قدرت می‌دانند که در جهت تعيين و محدودگرایی حدود ساختار قدرت عمل می‌کند.^۳ مشروطه‌خواهی از نگاه حقوقی عبارتند از: «کوشش و تلاش برای استقرار یک دولت و سلطنت مشروطه با ابزارهای حقوقی؛ چون قانون، قانون اساسی، پارلمان، آزادی-برابری، عدلیه، استقلال قضایی، تفکیک قوا، و نمایندگی است که در نهایت امر سیاسی به امر حقوقی مقید و محدود می‌شود.^۴ انقلاب مشروطه ایران: «مجموعه کوشش‌ها و رویدادهایی است که با امضاء کردن فرمان مشروطه توسط مظفرالدین شاه قاجار در (۱۵ مرداد/اسد ۱۲۸۵ ش) انجامید و تا دوره محمد علی شاه قاجار برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه ادامه یافت که منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب نخستین قانون اساسی در ۵۱ اصل در این کشور گردید که طرح اولیه‌ی آن را نظام‌نامه گذاشته بودند و حسن پیرنیا مشیرالملک تهیه کرده بود».^۵ به قول ماشاءالله آجودانی نویسنده کتاب مشروطه‌ی ایرانی: «انقلاب مشروطه‌خواهی ایران نقطه عطفی در تاریخ این کشور به سمت مدرنیته بود و او رضا شاه را قهرمان مشروطه‌ی ایران می‌داند؛ چرا که او به آرمان‌های مشروطه‌ی ایرانی جامه عمل پوشانیده است».^۶ نویسندگان افغانستان نیز مشروطه‌خواهی این کشور را «مجموعه‌ای از کوشش‌ها و تلاش‌هایی می‌پندارند که متأثر از اندیشه‌های سید جمال الدین اسدآبادی-افغانی بوده و با اقدامات مولوی محمد سرور خان واصف در مشروطیت اول آغاز گردیده و با تصویب نخستین قانون اساسی در ۷۳ ماده در (۱۲ اسفند/حوت ۱۳۰۱ ش) توسط شاه امان الله خان به کرسی نشست».^۷

مشروطه‌خواهان افغانستان و ایران در آستانه‌ی این حادثه بزرگ تاریخی در صدد محدودسازی قدرت شاه و تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه بودند.^۸ در آستانه نهضت مشروطیت این دو کشور مهمترین عامل و انگیزه‌ی بیداری مشروطه‌خواهان از خواب خرد یا در واقع خودآگاهی یا خودشناسی تاریخی و دیگری شناسی بود.^۹ در آستانه‌ی تجدد غرب، به‌ویژه شاهان و روشنفکران نهضت مشروطه‌خواه این دو کشور همسایه متوجه پیشرفت اروپا شدند و دیدند که این کشور ها سیستم مالیاتی منظم، اقتصاد، جامعه‌ی مرفه، نظم و امنیت و از همه مهمتر چیزی به نام «قانون» دارند، که باعث

1 . Loughlin, Martin, Against Constitutionalism, Printed in the United States of America, Harvard University Press Cambridge, Massachusetts, & London, England, (2022), p- 6.

۲ . مرادخانی، فردین، آشنایی ایرانیان با مفهوم پارلمان در انقلاب مشروطه و مجلس اول، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۱۲، ۴۳۱-۴۹۲، (۱۳۹۱)، ص ۴۹.

3 . Loughlin. same, P- 7.

۴ . پیشین، ص ۸۶.

۵ . ازندریانی، علی اکبر گرجی، «تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت ایران، فصلنامه حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۴، (۱۳۹۲)، ص ۷.

۶ . آجودانی، ماشاءالله، «مشروطه‌ی ایرانی»، تهران: اختران، (۱۳۸۶)، ص ۴۳.

۷ . ابراهیمی، سلیم، «اصلاحات فرهنگی افغانستان در زمان حکومت امان الله خان»، استاد راهنما: دکتر ساماعیل چنگیزی اردهایی، دانشگاه مذاهب اسلامی، شماره ۱۹، (۱۳۹۸)، ص ۶۵.

۸ . توانی، علیرضا، «مشروطه و جمهوری (ریشه‌های نابسمانی نظم دموکراتیک در ایران)»، تهران: گستره، (۱۳۸۱)، ص ۵۱.

۹ . یزدانی، سهراب، «کسروی و تاریخ مشروطه ایران»، (تهران، ۱۳۹۸)، ص ۳۹.

شد به فکر و تقلا بی‌افتند^۱. استعمارزدایی در عرصه‌ی خارجی و استبدادزدایی در عرصه‌ی داخلی کلیدی‌ترین عوامل دیگری در بیداری مشروطه‌خواهان هر دو کشور نقش اساسی داشته است^۲. در این میان قانون‌خواهی و تبدیل سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه به مهمترین خواست مشروطه‌خواهان آن زمان مبدل گشت^۳. تلاقی و آگاهی از پیشرفت و تمدن غرب در کشور های اسلامی مخصوصا ایران و افغانستان و سفر شاهان و روشنفکران آن زمان به دیار غرب به ویژه تبادل اندیشه‌های جدید که در کشورهای پیرامونی چون ترکیه‌ی عثمانی رخ می‌داد، باعث بیداری آنها گردید^۴. تا جای که ناصرالدین شاه، وقتی از سفر اروپا به ایران برگشت به دربار گفت فقط یک چیز باعث پیشرفت غرب شده و آن چیز بنام «قانون» است و دستور داد هرچه عاجل قانونی برای مملکت بسازند^۵. این اتفاق در افغانستان نیز رخ داد، وقتی شاه امان الله خان در سفری هشت ماهه به اروپا رفت و متوجه پیشرفت غرب شد، وقتی دوباره به وطن برگشت دست به رفرم و اصلاحات عظیمی زد^۶ که در واقع از این دست رخدادها و مشابهت‌ها در هر دو نهضت مشروطیت ایران و افغانستان کم نیستند که در این نوشته به آنها اشاره خواهیم کرد. بنابراین، مقاله‌ی حاضر در صدد خوانش حقوقی-مقایسوی از هر دو نهضت مشروطیت مزبور است. روش پژوهش به صورت بنیادی-توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات به شیوه‌ی کتابخانه‌ای و بررسی اسناد به‌جا مانده از جنبش مشروطه‌خواهی هر دو کشور است.

۱-۲- مسأله شناسی مشروطیت ایران و افغانستان

روشنفکران افغانستان و ایران پس از عصر روشنگری غرب تلاش کردند تا این تجربه خوب بشری را در این دو کشور عقب مانده نهاده‌ی بسازند که در پی کوشش‌های زیاد نهضتی به میان آمد که آن را مشروطیت خواندند. اینک و پس از گذشت یک سده هنوز هم پیرامون آن جنبش پرسش‌های زیادی مطرح و برخی می‌گویند پیش از مباحث باید پرسید از مشروطه‌خواهان چه به ما رسیده است^۷. مشروطه‌خواهان دنبال چه بودند؟ چگونه مفهوم مشروطه وارد ادبیات ما شد؟ چه اقشاری در مشروطه سهیم بودند؟ اگر مشروطه یک حرکت سکولار بود، چرا شماری از روحانیون به ویژه در راس جنبش مشروطه‌خواهی ایران و افغانستان بود؟ مشروطه خواهان واقعا درک و فهم مشترکی از مشروطه داشتند؟ آیا اساسا جنبش یا انقلابی شکل گرفت که نهادها و مفاهیم مدرن به کرسی بنشینند؟ از اینکه بگذریم خیلی از تاریخ‌پژوهان بر طبل نامشروطه‌گی ایران و افغانستان نیز می‌کوبند. حتی بعضی از پژوهشگران تاریخ، قایل به شکست مشروطیت اند و تا جای پیش رفتند که مشروطه را از «میم» تا «های‌اش» دروغ می‌پندارند^۸. تردیدی نیست که چنین نهضت و جنبشی وجود داشته و مشروطیت هرگز شکست نخورده است، اما بنابر خودکامگی، خودرایی و خودپسندی شاهان وقت، فرایند و جریان

۱. پشتونیار، زرین انخور، «نهضت مشروطه خواهی؛ یک حرکت ملی و افغانی-روایتی از میر سید قاسم»، (۱۴۰۱)، ص ۱۶.

۲. اشکوری، حسن، «دارای قافله (هفت مقاله در معرفی زندگی، آثار و افکار سید جمال الدین اسدآبادی)»، (تهران: جانیخش، ۱۳۷۶)، ص ۸۷.

۳. حقدار، علی اصغر، «مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)»، (تهران: مهرنامگ، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۹.

۴. پشتونیار، پیشین، ص ۱۸.

۵. یاور، مجتبی، «حکمرانی، دولت و توزیع قدرت در گفتمان ترقی ایران عصر ناصری»، دلت پژوهی، شماره ۱، (۱)، ۲۳-۵۵، (۱۳۹۳)، ص ۶.

۶. ابراهیمی، پیشین، ص ۱۴۲.

۷. نوریان، ابودر، «مفهوم قانون در مجلس اول مشروطه‌ی ایران»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: سید ناصر سلطانی، (۱۳۹۷)، ص ۶۵.

۸. آجدانی، لطف الله، «علماء و مشروطیت ایران»، (تهران: کتابنامه، ۱۳۹۰)، ص ۱۶۳.

با ایدئولوژی‌ها تخریب شده و لطمه دیده است.^۱ اگر هم شکست خورده باشد قطعاً شکست سیاسی خورده است، تاریخ دو نوع شکست را در این خصوص می‌شناسد: یکی شکست سیاسی و دیگری تاریخی؛ نهضت مشروطه‌ی ایران و افغانستان شکست سیاسی خورده است. طرح مشروطه‌خواهی به عنوان محدودسازی قدرت دولت زنده است و هنوز هم در بنیاد خود اعتبار دارد و در نتیجه دچار شکست تاریخی نشده است. پدران جنبش مشروطه‌خواهی شاید در نبرد شکست خوردند، ولی جنگ را به تمام نباختند، تا افغانستان و ایران برپاست میراث جنبش مشروطه‌خواهی که بازسازی دولت-ملت و بستن دست حاکم مستقل با قانون اساسی باشد، در این دو کشور همسایه زنده خواهد ماند. بنابراین ما هنوز در دوره مشروطه هستیم.

در افغانستان با ظهور و تولد سید جمال الدین اسدآبادی مشهور به (الافغانی) در (۱۲۱۷ش) با مفاهیمی چون آزادی، دولت، ملت، و... آشنا شدند؛ و پس از آن کم کم جایگاه خود را در میان روشنفکران باز کرد و اندیشه‌ها را پالایش داد که در فرجام منجر به مشروطیت اول افغانستان گردید.^۲ در این میان مشروطه‌خواهان ایران نیز از اندیشه‌های سید متأثر بودند (همان، ۸۴). اما مفاهیم جدید در ایران از عصر قاجار آغاز شده است، مردم و روشنفکران پس از آن با مدنیت و فرهنگ غربی و نهادهای مدرن آشنایی حاصل نمودند. مفاهیمی چون دولت، ملت، ملی، آزادی و حریت، مساوات، عدالت، مجلس، قانون، حقوق و... کم کم از معانی و مفاهیمی که در گذشته داشتند، فاصله می‌گرفتند و به مفاهیم و معانی تازه‌ای به کار می‌رفتند.^۳ اینک از به کرسی نشستن نخستین قانون اساسی به عنوان مهمترین خواست مشروطه‌خواهان هر دو در واقع (۱۰۲) سال از جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان و (۱۱۸) سال از انقلاب مشروطیت ایران می‌گذرد، و فاصله‌ی رخداد نهضت مشروطه‌خواهی میان هر دو کشور (۱۲) سال است؛ اما هر دو کشور پس از گذشت یک سده هنوز دغدغه‌ی اصلی شان، مهار و محدودسازی قدرت سیاسی در این سرزمین‌ها است که به صراحت می‌توان گفت ما هنوز در سده مشروطه‌خواهی قرار داریم. از این رو تأمل و تفکر در باب خاستگاه‌های مشروطه‌خواهان هر دو کشور می‌تواند، پرتوی بر برخی از مشکلات امروز ما بی‌افکند و دریچه‌ی جدیدی به‌روی ما باز کند.^۴ این مقاله در نوع خودش نخستین طرح بحث و خوانش حقوقی-مقایسوی میان دو نهضت مشروطه‌خواهی ایران و افغانستان را به بررسی می‌گیرد. هرچند در ایران در چند دهه‌ی پسین کارهای پژوهشی مهم و مستقلی توسط پژوهشگران عرصه‌ی علوم سیاسی، فلسفه سیاسی و حقوق‌دانان حقوق عمومی چون: فریدون آدمیت، سید جواد طباطبایی، فردین مرادخانی، و سید ناصر سلطانی انجام شده است، اما این نگاه حقوقی در افغانستان به عنوان یک حلقه‌ای مفقوده در میان پژوهشگران به ویژه اهالی علم سیاست و حقوق‌دانان حقوق عمومی این کشور بوده است. برای همین در این پژوهش سعی داریم تا نکات مشترک و افتراق، خواست‌ها، اسباب و علل، اهداف و دست‌آوردهای هر دو نهضت را به بحث و بررسی بگیریم تا زوایایی پیدا و پنهان هر دو جریان بیشتر روشن گردد.

۱. پرخو، محمد علی، «مجموعه مقالات همایش ملی مشروطیت (رویکرد ها و جریان های فکری-سیاسی در مشروطیت ایران)»، تبریز: دانشگاه تبریز، (۱۳۹۶)، صص ۱۰۵-۹۶.

۲. اشکوری، حسن، «دارای قافله (هفت مقاله در معرفی زندگی، آثار و افکار سید جمال الدین اسدآبادی)»، (تهران: جانپخش، ۱۳۷۶)، ص ۷۱.

۳. آجدانی، لطف الله (۱۳۹۰). علماء و مشروطیت ایران، تهران: کتابنامه، ص ۷.

۴. مرادخانی، فردین، «خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران (تاریخ مفاهیم حقوق عمومی در ایران)»، (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ص ۱۳.

۱-۳- مفهوم شناسی و تاریخچه نهضت مشروطیت ایران و افغانستان

مشروطه یا مشروطیت، شرط کرده شده، آنچه که مقید به شرط است، ذکر شده و مشروطه اسم مفعول مونث است.^۱ معادل واژه‌های مزبور، لفظ کنستیتوشنالیسم^۲ مأخوذ از فعل to constitute به معنی تشکیل دادن و بنیان نهادن است که از ریشه‌ی لاتینی کنستیتور^۳ در معنی برپا کردن و ایجاد و احداث و تاسیس ساختن می‌آید.^۴ مشروطیت معادل واژه کنستیتوشن^۵ به معنای حکومت مشروطه برابر با حکومت قانون است.^۶ همچنین در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ ایران و ترکیه واژه مشروطه به‌عنوان (کنستیتوشنالیسم): حکومتی مبتنی بر قانون اساسی به‌کار برده شده است.^۷ در ایران دو واژه مشروطه و مشروطیت به نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب مشروطه این کشور استفاده می‌شود.^۸ در کشور های عربی واژه‌ی «الدستور» یعنی قانون اساسی^۹ و در هند و پاکستان لغت «آئین» که هر دو فارسی می‌باشند به‌جای لفظ کنستیتوشن انگلیسی و یا کنستیتوسیون فرانسه بکار رفته است.^{۱۰} در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام مشروطه‌ی (۱۸۷۶م) واژه مشروطه در پیوند با حکومتی بکار برده می‌شده است که براساس یک قانون اساسی پایه‌گذاری شود و حکومت مشروطه یکی نوعی از حکومت است که در آن قدرت رژیم سلطنتی و پادشاهی محدود می‌شود و شرط ادامه‌ی حکومت وی منوط به رعایت قوانینی است که نمایندگان مجلس به عنوان عصاره‌ی ملت تدوین، تنظیم و تصویب می‌کنند.^{۱۱} نامق کمال اندیشمند سده‌ی ۱۹ عثمانی، به کرات در نوشته‌های خود عبارت‌های «دولت مشروطه» و «اداره مشروطه» را به معنای حکومتی قانونی و غیر استبدادی به‌کار برده است.^{۱۲} اما بعضی دیگر از نویسندگان به این باورند که این کلمه به صورت اسم مفعول عربی که از کلمه فرانسه چارت^{۱۳} به معنای منشور، فرمان، حکم رسمی و صلاحیت دار و... گرفته شده است. براساس اظهار نظر دیگر، کلمه مشروطه از کارتا^{۱۴} چنانکه در ماگنا کارتا^{۱۵} بود گرفته شده باشد که با احتمال قوی تر به واژه شرطه عربی مستقیماً مربوط نباشد که روی هم رفته نباید چنین ارتباطی را نادیده انگاشت. به هر ترتیب این

۱. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه (تهران، ۱۳۹۰)، ص ۳۷۶.

2. constitutionalism.

3. Constituter.

4. Fleiner, Thomas & Lidija R. Basta Fleiner, Constitutional Democracy English translation from the German, 3rd revised edition Allgemeine Staatliche by Katy Le Roy, Berlin: Springer-Verlag Heidelberg, (2009), pp. 65-66.

5. constitution, p. 18.

۶. ازندریانی، علی اکبر گرجی، «تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۴، (۴)، ۱۶۵-۱۸۴، (۱۳۹۲)، ص ۳.

۷. پرغو، محمد علی، «مجموعه مقالات همایش ملی مشروطیت (رویکرد ها و جریان های فکری-سیاسی در مشروطیت ایران)»، تبریز: دانشگاه تبریز، (۱۳۹۶)، ص ۲۷۵.

۸. حائری، عبدالهادی، «واژه‌ی مشروطه»، فصلنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳، (۱۳۸۵)، صص ۳-۵.

۹. الجزائری، زینب شریف، «العرف الدستوری و دوره فی بعض الدساتیر المعاصره»، رساله ماجستیر، کلیه القانون، جامعه بغداد، (۲۰۰۰)، ص ۴۱.

10. Mueller, Dennis C., Constitutional Democracy, University PRESS, OXFORD New York, Copyright © 1996 by Oxford University Press, (1996), p. 76.

۱۱. توانی، علیرضا، «مشروطه و جمهوری (ریشه‌های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران)»، (تهران: گستره، ۱۳۸۱)، ص ۵۱.

۱۲. همان، صص ۵۲-۵۳.

13. Charte.

14. Charte.

15. magna charte.

مفهوم بیشتر در جهت مبارزه با استبداد و حکومت داری یک طرفه و غیر عقلانی در ایران و افغانستان به کار رفته است و در اندیشه های مشروطه خواهان هر دو کشور به وضوح دیده می شود. کلمه مشروطه در ایران و افغانستان نخستین بار از طریق عثمانی وارد ادبیات حقوقی-سیاسی این دو کشور گردیده و در واقع انعکاس دهنده ی معنای اصلی کانس تیویشن نیست، بلکه این لفظ انگلیسی بیشتر به قانون اساسی مداری نزدیک تر است که به درستی در عربی به آن «الدستور»^۱ یعنی قانون اساسی خطاب می شود. جریان مشروطه با نظریه مشروطیت به لحاظ تاریخی و هم لحاظ مفهومی تفاوت جدی دارند. در نخست لفظ constitutionalism که در ادبیات فارسی به مشروطه یا مشروطیت ترجمه شده، یک غلط محض است. اصولاً کانس تیویشنالیزم یک اندیشه است و بعداً به جنبش یا انقلاب قانون اساسی گرای معروف گردید و تقلیل پیدا کرد. با تسامح اگر کانس تیویشنالیزم یا کانس تیویشن را باز هم مشروطیت تلقی نماییم؛ عبارت از: «مجموعه اصول، رفتارها و نهادهایی است که برای سلطنت مشروطه یا حکومت محدود استفاده می شود، اما مشروطه خواهی: جریان و فرایند تحدید صاحبان قدرت سیاسی در یک سرزمین خاص با ابزارهای حقوقی است. مشروطیت تاریخ طولانی دارد و به یونان بر می گردد، اما مشروطه تقریباً تاریخ سه صد ساله دارد. همچنین مشروطیت یک نظریه و اندیشه است، اما مشروطه یک عمل و نهضت فکری است.

اینکه چگونه این واژه در این دو کشور همسایه به مشروطه برگردان شد، بیشتر به دلیل حساسیت های اجتماعی- فرهنگی آن زمان به کلمه «قانون و قانون اساسی» بوده است، نه آنچه که ماثالنه آجودانی در کتاب مشروطه ی ایرانی گفته است: «روشنفکران در برخورد با تمدن غرب و در رویایی با مفاهیم مدرن، درک و فهم مشابهی که از این مفاهیم جدید داشتند، آن لفظ انگلیسی را با محدودیت های زمانی طبق برداشت های سطحی خویش به مشروطه ترجمه و معنا کردند»^۲. برای همین نخستین قانون اساسی افغانستان به «نظام نامه دولت علیه افغانستان» نامگذاری شد^۳، نه قانون اساسی. در ایران هم خیلی از قوانین و مقررات در اوایل تحت عنوان نظام نامه و تنظیمات یاد می شدند. روشن فکران عصر ناصری از جمله ملکم خان که خود در درون همان نظام استبدادی به سفارت رسید، جرات نکرد به صراحت از ضرورت استقرار حکومت مشروطه صحبت کند^۴. حتی سپهسالار که صدر اعظم محبوب ناصرالدین شاه بود، در نامه ای که به شاه می نویسد با احتیاط گوش زد می کند که برای رفاه رعیت و رسیدن به ترقی و پیشرفت باید «دولت منتظم» مستقر نموده که منظور همان حکومت مشروطه است. این رویکرد نشان می دهد که پیشگامان مشروطه خواه هر دو کشور آنقدر نا آگاه نبودند که آن لفظ انگلیسی یا فرانسوی را درک نکنند، بلکه استبداد و سلطه ی قدرت شاه، بی فرهنگی و کنش واکنش های قهری جامعه مانع ترجمه به اصل آن یعنی «قانون» شده است.

۱. الساعدی، حمید، «مبادی القانون الدستوری و تطور النظام السياسي فی العراق»، مطابع: دارالحکمه، الموصل، (۱۹۹۰)، ص ۲۷.

۲. آجودانی، ماشاء الله، «مشروطه ی ایرانی»، (تهران: اختران، ۱۳۸۶)، ص ۹.

۳. پشتونیار، زرین انخور، «نهضت مشروطه خواهی؛ یک حرکت ملی و افغانی-روایتی از میر سید قاسم»، (۱۴۰۱)، ص ۱۹.

۴. رزگری نژاد، غلام حسین، «رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)»، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، (۱۳۸۷)، ص ۵۴.

۵. بخشی زاده، فاطمه، «پیش زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقاب تا تنظیمات، مجلسه حقوقی دادگستری»، شماره ۱۰۳، (۸۳)، ۷۲-۳۷، (۱۳۹۲)، ص ۱۳.

در رابطه به پیشینه این جنبش نیز کشوقوس‌های زیادی صورت گرفته و بعضی از نویسندگان این نهضت را به دوران باستان می‌برند، که برتری قانون بر فرمانروایی آدمی را بیان می‌کرد و توضیح می‌دهند که هر آدمی می‌تواند دست خوش هواهای نفسانی باشد، اما تنها قانون است که پیوسته فارغ از هواهای نفسانی است.^۱ از این حیث می‌توان گفت که مشروطیت به عنوان نظریه سیاسی-حقوقی حکومت قانون، نظریه‌ای بسیار کهن در تاریخ اندیشه سیاسی است. چنان که گفتیم یک نگاه در ایران این است که این اصطلاح را برای نخستین بار میرزا حسین خان سپهسالار در سال (۱۲۸۵/م ۱۲۸۸ش) هنگامی که سفیر ایران در دربار امپراتوری عثمانی بود، این واژه از خلال برخی از گزارش‌های خود به معنی مشروطه به ایرانیان معرفی کرده است.^۲ ولی سید جواد طباطبایی در سمپوزیوم انقلاب مشروطه در دانشگاه کالیفرنیا: «از نخستین آشنایی‌ها با نظام حقوقی انگلستان تا جنبش مشروطه خواهی» سخن گفته و ادعای طباطبایی در دو مطلب خلاصه می‌شود که می‌خواهد در آن دو مطلب اشکال و سپس نتیجه‌گیری کند: الف- لفظ مشروطه که تقی‌زاده می‌گوید از عثمانی آمده درست نیست و ب- مشروطیت ایران سابقه‌ای بسیار طولانی‌تر از آنچه در تاریخ‌های مشروطه گفته شده دارد. مرحوم طباطبایی معتقد است که در سال‌های منتهی به مشروطیت تاریخ زیرزمینی در حال تکوین بوده که در حوادث سال ۱۲۸۵ خورشیدی فوران کرد. حسن حضرتی از نویسندگان دیگر مشروطه‌ی ایران اظهار کرده است: «فکر مشروطه‌خواهی ایرانی به شدت متأثر از تحولات عثمانی بود و از آن ایده، الهام و قدرت گرفته و به باور او در این میان، مشروطه‌ی ما فقط تحت تاثیر انگلستان بود را حرفی نادرستی قلمداد می‌کند».^۳

از سوی دیگر، محمد حسین نایینی در فرازی از کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله درباره پیشینه فکر مشروطه‌خواهی در ایران گفته بود: «مبادی تاریخیه سابقه هم تدریجاً فراموش شد». استاد او صاحب کفایه در یکی از نامه‌هایش همین معنی را با چنین عباراتی آورده بود: «سال‌های دراز در خصوص حریت طبیعی و خدادادی ملت ایران از دولت مستبده خود کشاکش‌ها بود» تا اینکه «ملت حقوق طبیعی خود را استنقاذ نمود و دولت ایران رسماً از استبداد به مشروطیت تحول یافت».^۴ اما در ایران دوره معاصر، نخستین بنیان سلطنت مشروطه از عصر ناصری در قالب ایده‌هایی مانند تنظیمات آغاز شد، و در ۱۵ مرداد سال (۱۲۸۵ش)، مظفرالدین شاه با امضا و انتشار فرمان مشروطیت مطالبه‌ی مشروطه‌خواهان را پذیرفت و زمینه تشکیل مجلس شورای ملی فراهم شد، به ثمر نشست.^۵ پیشگام این بیداری و تحول عظیم در تاریخ معاصر افغانستان، مولوی عبدالروف خان و مولوی محمد سرور خان واصف هستند که هر دو رجال مشروطه‌خواه دارای افکار متجدد و شخصیت‌های مستقل و متکی به اراده خود بودند و هر دو از قندهار پایتخت رهبر فعلی طالبان نیز هستند، یکی مدیر مسول سراج الاخبار مهمترین نشریه دوره مشروطیت افغانستان بود و می‌خواست توجه امیر و مردم افغانستان را به

۱. طباطبایی، سید جواد، «در آمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران»، تهران: کویر، (۱۳۹۳)، ص ۱۷۶.

۲. سعیدی، زینب، «مطالعه تطبیقی ورود مفهوم قانون در بستر مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر فیروز اصلانی، (۱۳۹۷)، ص ۳۳-۴.

۳. همان، ص ۱۸.

۴. مسعود، سید، «ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد»، پشاور-پاکستان، (۱۳۷۵)، ص ۷۶.

۵. حقدار، علی اصغر، «مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)»، (تهران: مهرنامگ، ۱۳۸۳)، ص ۱۷۴.

نوسازی در اروپا جلب کند و دیگری برای تحقق آرمان‌هایی مشروطیت کوشش و تلاش می‌کرد.^۱ بطور مشخص آغاز جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان پس از تأسیس مدرسه/مکتب حبیبیه در سال (۱۲۸۴ش) با ایده و رهبری مولوی محمد سرور خان واصف در میان روشنفکران سربرآورد که مهمترین خواست‌شان محدودسازی قدرت و اختیارات پادشاه با ابزارهای حقوقی چون: قانون و مقررات ویژه‌ی دولتی بود و به نام جنبش «مشروطیت اول» معروف گشت، شبیه فعالیت‌های مشروطه‌خواهان ایران در تاریخ زیرزمینی تبریز؛ اما نهضت اصلی مشروطه‌خواهی افغانستان در سال (۱۳۰۱ش) با تفاوت ۱۲ سال با ایران شکل گرفت که به عنوان «مشروطیت دوم» یاد می‌شود و امان الله خان شاه وقت افغانستان در رأس آن قرار داشت و نخستین قانون اساسی را در (۷۳ ماده) در لویه جرگه/مجلس بزرگان در شهرستان/ولسوالی پغمان ولایت کابل با اشتراک علماء، مشایخ، وکلا و روسای مملکت به تصویب رساند.^۲ اینکه بعضی از نویسندگان از وجود چنین جنبش بزرگ انکار می‌کنند در واقع یک انکار غیر منصفانه است. در افغانستان قطعاً تفکر مشروطه خواهی وجود داشته و فعلاً هم دارد، ولی در آن عصر مردان مشروطه طلب مجال نیافتند افکار خود را مکتوب کنند یک بحث ناگزیری بوده و به شکل شفاهی افکار آنها مطرح و انتقال یافته است، اما این مساله دلالت بر انکار چنین جنبش بزرگ نمی‌کند. اگر موجودیت یک چنین جنبشی را رد کنیم در واقع کل پروسه تجددخواهی، اندیشه‌های نو و روشنفکری دوره معاصر کشور را رد می‌کنیم و این نه عقلانی است و نه منصفانه. حتی ایده جنبش مشروطه خواهی با فاکار سید در افغانستان قبل تر از انقلاب مشروطه در ایران است. بنابراین، در افغانستان نهضت یا جریانی بنام جنبش مشروطه‌خواهی اول و دوم دسکنم در حد یک ایده مطرح بوده است، اما دانش آن به شکل مکتوب بیرون نیامد و تولید نشد، دلیل بر انکار آن ندارد.

۱-۴- منشأ و اسباب جنبش مشروطه‌خواهی ایران و افغانستان

منشأ و زمینه‌های نهضت مشروطیت آگاهی و بیداری ملت‌هاست.^۳ در پهلوی بیداری، استعمارزدایی در بعد خارجی و استبدادزدایی در بعد داخلی نقش مهمی در تحول جریان‌های فکری و مشروطه‌خواهی افغانستان و ایران داشته است.^۴ این سه عامل به عنوان منشأ و اسباب اساسی در انقلاب و جنبش مشروطیت هر دو کشور دیده می‌شود. احمد کسروی در تاریخ مشروطه‌ی ایران اذعان می‌نماید که منشأ اصلی مشروطیت این کشور، بیداری ایرانیان و اعتراض به حکومت استبدادی بود.^۵ او تصریح می‌کند: بیداری به معنای واقف شدن به عقب‌ماندگی و ضعف ایرانیان در برابر اروپاییان می‌باشد.^۶ او روند عقب ماندگی ایران را در آستانه‌ی نهضت مشروطیت فاجعه‌بار توصیف نموده می‌گوید: پس از کشته شدن نادر افشار جایگاه و منزلت ایران رو به افول می‌نهد و سرآغازی برای تنزل می‌گردد.^۷ احمد کسروی همچنان به کشورهای همسایه - شمال و جنوب ایران به عنوان دو دولت قدرتمند روس و انگلیس انگشت می‌گذارد و حمله روس‌ها به جغرافیای ایران را نخستین

۱. محمد، نصیر مهرین، «درآمدی بر تاریخ تجدد در افغانستان (۱۸۶۹-۱۹۱۹م)»، ایران‌نامه-ادبیات و زبان‌ها، انتشار: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۸۵، (۸۶)، ۲۵-۴۶، (۱۳۸۴)، ص ۵.

۲. پیشین، ص ۶-۷.

3. Don, E. Fehrenbacher, Constitutions and Constitutionalism in the slaveholding south, University of Georgia press, (1989), p. 8.

۴. یاور، مجتبی، «حکمرانی، دولت و توزیع قدرت در گفتمان ترقی ایران عصر ناصری»، دلت پژوهی، شماره ۱، (۱)، ۲۳-۵۵، (۱۳۹۳)، ص ۹۸.

۵. یزدانی، سهراب، «کسروی و تاریخ مشروطه ایران»، (تهران: ۱۳۹۸)، ص ۴۶.

۶. تقوی، سید مصطفی، «فراز و فرود مشروطه»، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، (۱۳۸۴)، ص ۶۷.

۷. جعفریان، رسول، «بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت»، (تهران: طوس قم، ۱۳۶۹)، ص ۳۲.

تحول در باب آگاهی ضمیر ایرانیان تلقی می‌کند.^۱ او به فعالیت‌های روشنگری میرزا ملکم خان و سید جما الدین اسعدآبادی هم بی‌توجه نیست و تلاش آنها را در بیداری ملت ایران و مبارزه علیه استبداد شاه و سر سپردگی این شاهان به بیگانگان را نقطه شمرساری برای جبین این ملت می‌داند^۲ که نقطه سرآغازی برای بیداری و منشأ انقلاب مشروطیت می‌گردد.

در همسایگی ایران، افغانستان نیز از چنین مصیبت‌ها رنج می‌برده و عوامل فوق در بیداری روشنفکران و تلاقی سفرهای شاهان تحولی در فضای این کشور ایجاد می‌کند که استمرار آن به بیداری و تحول ژرف در روشنفکران شعله‌ور می‌شود و سلطنت مطلقه که از دیر باز آویزان تن و جان مردم بوده، جنبشی در میان آنها برای تبدیل کردن سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه پا می‌گیرد که تا حد زیادی از دیوانسالاری و اشرافیت قدیمی سر بر کشیده، یا در مراکز سنتی آموزشی و یا در مکاتب/مدرسه‌ها متوسطه عصری تحصیل کرده بودند، که یک گروه قابل ملاحظه‌ای چنین اصلاح‌گران شامل افراد وابسته به دربار سلطنتی بودند.^۳ آنها در درجه اول فرزندان آرمانگرا و بلندپرواز بزرگان ولایتی/استانی «غلام بچه‌ها»^۴ بودند که در دربار کابل به هدف پیشبردن کار حکومت آموزش دیده بودند. آنها به ویژه تحت سرپرستی معلمان پیشرو به شمول مسلمانان هندی، در مکاتب عصری جدید شیفته ایده‌های مشروطیت شدند. تحولاتی که در کشور دیگر جهان از جمله (روسیه ۱۹۰۵، ایران ۱۹۰۵، و ترکیه عثمانی ۱۸۷۶)، مشروطه‌خواهان افغانستان را به حرکت درآورد. در این عصر روحانی و عالم روشنفکری به نام مولوی محمد سرور خان واصف، شاعر و دانشمند با همکاری دست به هم می‌دهند و رهبری الهام بخش و نخستین پیشگام الگوی برای جنبش مشروطیت اول افغانستان می‌شود.^۵ پس از آن افراد و اشخاص زیادی به این جنبش می‌پیوندند و با تشکیل جلسات مخفی در محلات مخصوص به تبادل اندیشه‌ها و افکار در حول این جنبش می‌پردازند که در بخشی از این مقاله به اهمیت برگزاری این جلسه‌ها اشاره خواهیم کرد.

۱-۵- اهداف و اندیشه‌های مشروطه‌خواهان افغانستان و ایران

اولین هدف و آرمان انقلاب مشروطه‌خواهان ایران مساله بازسازی کشور بود^۶ که مقایسه با غرب و رویارویی با آن خیلی عقب افتاده بود. آرمان دوم انقلاب مشروطیت ایران رهایی از سلطه خارجی و جنگ‌های روس و انگلیس بود که بر آنها سایه افکنده بودند. در آن زمان دو قدرت جهانی روسیه و بریتانیا، مشکلات بسیاری را برای مردم ایران درست می‌کردند و نه استقلال داشتند و نه در امضای معاهدات صلاحیت تصمیم‌گیری داشتند. فشارهای سرزمینی باعث شده بود قدرت

۱. رسول زاده، محمد امینف «گزارش‌های از انقلاب مشروطیت ایران»، مترجم: رحیم رئیس نیا، تهران: با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب، (۱۳۸۷)، ص ۱۳.

۲. ستایش، محمود، «مشروطیت ایران»، (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۵)، ص ۵۱.

۳. انجور، زرین، «محمود طرزی و اعلامیه استقلال افغانستان»، (کابل: بنیاد کاکر، ۱۴۰۱)، ص ۴۹.

۴. ترکیب غلام بچه ساخته و پرداخته درباریان افغانستان است. منظور از کلمه غلام بچه در اینجا برده نیست، بلکه به جوانک و نوجوانانی اطلاق می‌شود که تازه سیل دربار آورد. این واژه از عصر احمدشاه ابدالی در دربار شاهان افغان رواج یافته و در واقع پسران سران ولایات بودند که در دربار شاهان وظایف انتظام امور حکومتی و اداری و حتی پیش خدمتی را اجرا می‌نمودند. یک هدف سیاسی پشت این غلامه بچه‌ها نیز وجود داشته که شاهان در واقع این پسران بزرگان استان‌ها را به عنوان گروگان در دربار نگه‌می‌داشته تا پدران شان در ولایات برعلیه آنها شورش و قیام نکنند.

۵. لمر، احسان، «محمد محمد سرور واصف نخستین شهید راه مشروطیت و دموکراسی»، (کابل: قاموس کبیر افغانستان، ۲۰۱۶)، ص ۱.

۶. یزدانی، سهراب، «کسروی و تاریخ مشروطه ایران»، (تهران، ۱۳۹۸)، ص ۸۲.

تصمیم گیری را از حاکمان ایران سلب نموده بودند.^۱ سومین آرمان و هدف نهضت مشروطه‌ی ایران برقراری نظم و امنیت و ثبات سیاسی در کشور بود. ایران در آن هنگام، کشوری پر از هرج و مرج و بدون نیروی نظامی و انتظامی بود که نه ثبات اجتماعی داشت و نه مرزها و شهرها و راه‌های تجارتی امنیت داشتند و داشتن قانون در این شرایط از مهمترین خواست مشروطه‌خواهان ایران تلقی می‌گردد.^۲

در سوی دیگر، اهداف و اندیشه‌های نهضت مشروطه‌خواهان در افغانستان هم شباهت زیادی به اهداف و خاستگاه‌های مشروطه‌خواهان داشت، زیرا هر دو کشور از بلایا و مصیبت‌های هم نوع رنج می‌بردند. هرچند روشنفکران افغانستان از همان آغاز پیدایش این جنبش، مبارزه با ظلم و استبداد داخلی، آزادی خواهی، عدالت اجتماعی، حکومت مردم و رهایی از یوغ استعمار انگلیس سر مشق اهداف شان بود ولی این مشروطه‌طلبان فرصتی زیادی برای ترویج ایده‌هایشان نداشتند.^۳ مشروطه‌خواهان افغانستان که به نام: (جان نثاران ملت) نیز یاد می‌کردند، حاکمیت ملی را حق مردم می‌دانستند و می‌گفتند: «ملت باید در چارچوب سلطنت شاهی مشروطه قدرت اجراییه را با تأسیس مجلس شورای ملی از راه انتخابات آزاد پارلمان را به دست گیرند»، این امر به وضوح از اصول ده‌گانه‌ی مورد نظر مشروطه‌خواهان و به تعبیر و با الهام از قرآن کریم: «تلکه عشره کامله» روشن است و نویسندگان افغانستان آن اصول و اهداف را اینگونه برشمردند: «اطاعت از اصول و دستورات اسلامی، کوشش مداوم تا هنگام دست‌یابی به حقوق ملی و تبدیل رژیم حکومت استبدادی به مشروطه، داشتن قوانین و مقررات جهت نایل شدن به نظم عمومی، تلاش و گسترش اخلاق نیکو، آشتی و تفاهم میان اقوام و تحکیم وحدت ملی، سعی در برقراری صلح به جایی سلاح و زور، بیداری مردم و آزادی مطبوعات، تأسیس مجلس شورای ملی از راه انتخابات آزاد، سعی در کسب استقلال کشور، تأمین اصول مساوات و برابری و توسعه دانش جدید و توسعه صنایع».^۴ اینها از موارد اساسی اندیشه‌های مشروطه‌خواهان در افغانستان بود که بیشترین این فکر برخاسته از تحولاتی بود که در جهان پیرامونی یا اتفاق افتاده بود یا در حال اتفاق افتادن بود. این اهداف و اندیشه‌ها نه تنها با ایران بلکه با جنبش‌های مشروطیت در مصر، ترکیه و سایر کشورهای در آستانه مشروطیت شباهت زیادی داشتند.^۵ اما در خصوص اهداف و مرام جنبش مشروطه‌خواهان افغانستان اسناد و مطلب کمتری از بنیان‌گذاران این جنبش به جا مانده است که نویسندگان بعدی را با چالش جدی مواجه ساخته است. پاسخی که می‌توان به این معضل داشت این است که در آستانه‌ی این جنبش استبداد وحشتناکی بر اوضاع و احوال آن زمان جریان داشت و خودکامگی بیش از حد اوج گرفته بود و این استبداد مانع اصلی بر سر راه مشروطه‌خواهان افغانستان بود تا زودتر به آرمان‌های شان نایل نیایند. اما کوشش و تلاش‌های مستمر آنها در پی تأسیس یک نظام مشروطه و قانون اساسی در افغانستان شاه کلیدی بسیاری از مسایل بعدی و جنبش‌های آتی گذاشت که همه را مدیون همان روشنفکران می‌باید دانست.

۱. پیشین، صص ۸۳-۸۴.

۲. بخشی زاده، فاطمه، «پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقاب‌ی تا تنظیمات»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۰۳، (۸۳)، ۳۷-۷۲، (۱۳۹۲)، صص ۵-۶.

۳. نجفی، خدیجه، «بررسی مفهوم مشروطه در آثار و اندیشه محمود طرزی (۱۲۴۴-۱۳۱۲)»، استاد راهنما: دکتر مرتضی منشادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، (۱۴۰۰)، ص ۷۴.

۴. نجفی، خدیجه، «بررسی مفهوم مشروطه در آثار و اندیشه محمود طرزی (۱۲۴۴-۱۳۱۲)»، استاد راهنما: دکتر مرتضی منشادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، (۱۴۰۰)، صص ۱۶۶-۱۶۷.

۵. پیشین، ص ۲۵.

۱-۶- اصول، نهادها و مفاهیم مشروطیت ایران و افغانستان

در ایران و افغانستان هیچ پژوهش کامل و مستقل نه از سوی تاریخ نگاران و جامعه شناسان و نه از سوی نویسندگان دیگر در رابطه به اصول، نهادها و مفاهیم حقوق عمومی در این دو کشور نگاشته نشده است. ولی از عملکرد و فحوای نوشته‌های روشنفکران و پیشگامان مشروطیت ایران و افغانستان به ما رسیده، چند اصل را می‌توان از مشروطه ایران نام برد: قانون، قانون اساسی، تفکیک قوا، استقلال قضایی، عدلیه، آزادی، پارلمان، نمایندگی و مساوات و برابری از مهمترین اصولی اند در مشروطه ایران روی آنها مباحث و مجادله صورت گیرد و نخستین قانون اساسی مشروطه در ایران روی تشکیل و وظایف مجلس شورای ملی متمرکز بوده است.^۱ این مفاهیم و نهادها در سه سنت انقلاب آمریکا، انگلیس و فرانسه به صورت تقریباً یک دست مشاهده می‌شود و آثار زیادی پیرامون این اصول در غرب نوشته شده است. در جنبش مشروطیت افغانستان متفاوت تر از ایران، اصول دیگری هرچند مشابه از سوی نخبگان و روشنفکران مشروطه خواه مطرح شده و در اصول و خواست ده گانه که به «اهداف عمومی مشروطه خواهان افغانستان» معروف است، مفاهیمی چون حقوق ملی، نظم عمومی، آشتی ملی، تحکیم وحدت ملی، انتخابات، برقراری صلح، آزادی و برابری، مساوات، استقلال و توسعه صنایع که دو اصل بیشتر از هر اصل دیگری به چشم می‌خورد. پارلمان و قانون اساسی دو اصل مهمی است که در دل اهداف مشروطه خواهان افغانستان دیده می‌شود.^۲ برعکس انقلاب ایران که در آن علاوه این دو اصل، اصولی دیگری هم مطرح شد که در فوق اشاره شد. مهمتر از این در نتیجه‌ی پیروزی مشروطیت ایران نخستین قانون اساسی از نهاد مجلس صحبت به عمل آورد و ۵۱ اصل قانون اساسی مشروطه ایران از چگونگی تشکیل و وظایف نمایندگان مجلس شورای ملی سخن می‌گوید، اما در افغانستان نخست قانون اساسی تصویب گردید و اولین پارلمان در افغانستان بیشتر از تحولات منطقه به ویژه ایران و جهان الهام گرفته بود، به شیوه معاصر و مروج در جامعه بین المللی در دوره سلطنت محمد نادر شاه در سال (۱۳۱۱ش) اساس گذاری شد.^۳ در دوره سلطنت محمد نادرشاه مجلس اعیان که ۳۸ نفر عضو داشت آغاز به کار کرد و درست سه سال پس از آن، با ایجاد مجلس دوم زیر نام "شورای ملی" عملاً افغانستان دارای پارلمانی شد که دارای دو مجلس بود. مفاهیم و نهادهای چون قانون، قانون اساسی، پارلمان، عدلیه، تفکیک قوا و بعضاً آزادی و برابری در انقلاب مشروطیت ایران برجسته شد، اما در مشروطیت افغانستان از مفاهیمی چون حکومت قانون، وحدت و دولت ملی، حاکمیت ملی، عدالت اجتماعی و تعمیم معارف و بسط مدنیت جدید بیشتر شده است و در آغاز به تصویب نخستین قانون اساسی در سال ۱۳۰۱ و تاسیس نخستین نهاد پارلمان در سال ۱۳۱۰ خلاصه شده است.^۴ اما در دوره مشروطیت دوم این محمود طرزی بوده که از مفاهیم دولت-ملت به وضوح یاد کرده است.^۵ طرزی نخستین کسی است از مفهوم ملت تعریف جدیدی ارائه می‌دهد و می‌گوید: «ملت منظور قومیت خاصی نیست بلکه کسانی است در یک وطن و تحت لوای یک دولت زیست

۱. مرادخانی، فردین، «خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران (تاریخ مفاهیم حقوق عمومی در ایران)»، (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ص ۱۷.

۲. دانش، سرور، «درآمدی بر وضع و تصویب قانون اساسی جدید افغانستان»، (کابل: تعلیمی دانشگاه نبراسکا، ۱۳۸۲)، ص ۱۴۲.

۳. موسوی، سید فضل الله، «مشروطه گرایی در جامعه بین المللی»، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۱، (۲)، ۳۴۴-۳۱۹. ۱۰۳۰۴۹۷، (۱۳۹۹)، ص ۸.

۴. نجفی، خدیجه، «بررسی مفهوم مشروطه در آثار و اندیشه محمود طرزی (۱۲۴۴-۱۳۱۲)»، استاد راهنما: دکتر مرتضی منشادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد، (۱۴۰۰)، ص ۷۵.

۵. پیشین، ص ۷۸.

نموده و همان و نفوسی است که در خاک پاک وطن مقدس افغانستان معیشت، سکونت و بودوباش دارند ورعیت و تابع یک دولت و حکومت هستند که بر جمله‌ی آنها ملت اطلاق می‌گردد»^۱.

۱-۷- مدافعان و مخالفان جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان و ایران

مشروطیت به عنوان یک انقلاب بزرگ در امریکا، انگلیس، فرانسه و به تعقیب آن در تمام کشور های اروپای و بعضی کشور های اسلامی از جمله ترکیه‌ی عثمانی، مصر تحت عنوان «جنبش قانون اساسی‌گرایی» به عنوان یک رخداد مهم تاریخی آن عصر اتفاق افتاد و این حادثه‌ی تاریخی شامل افغانستان و ایران نیز می‌شود^۲. این نهضت اما در افغانستان و ایران مخالفان و موافقانی داشت و روی اصول آن جدال سنگینی رخ داد. مخالفان نهضت مشروطه‌خواهی افغانستان و ایران حتی موجودیت چنین جنبش را با پرسش‌های کوبنده زیر سوال می‌برد و فرض را بر این می‌گذارند که اگر از معنای نهضت استنباط شود: نهضت بر بیداری و رشد نمودن فکری یک جامعه و قیام عمومی یک جامعه اطلاق می‌گردد^۳، نه اینکه یک مفکوره در یک حلقه‌ای محدوده‌ی چند نفری و آن هم صرف در پایتخت یک کشور محصور بماند. این گروه بر این باورند هر گفتمانی که درباره‌ی نهضت مشروطیت به وجود آمده، بر نقل قول دیگران و یا مبنی بر حدس و گمان و قضاوت شخصی استوار است^۴. برخی از این گروه اذعان می‌کنند که هیچ سنت مستحکمی دال بر محدودسازی قدرت پادشاه در آن زمان شکل نکرده است، شاه افغانستان اجازه نداد اختیاراتش حداقل محدود شود. همچنین می‌گویند: برای همین نظام پادشاهی ادامه پیدا کرد و هیچگاه ثبات دایمی به وجود نیامد و نهادها و مفاهیم جایگاه خود را نیافت. در حالی که در جنبش مشروطیت کشورهای دیگر در گام اول نهادها و مفاهیم مدرن شکل گرفتند و اگر نظام پادشاهی هم بود، ولی قانون اساسی توانست ثبات را به وجود آورد و زندگی شهروندان را حفظ و تضمین کند^۵.

از سوی دیگر، مدافعان جنبش مشروطیت افغانستان بر این مساله تاکید می‌نمایند که هرگز نمی‌توان فداکاری و قربانی‌های سران مشروطه امثال مولوی محمد سرور خان واصل و دوستانش را نادیده انگاشت و جریان‌های بعدی او که بر محور شاه امان‌الله خان و محمود طرزی شکل گرفته بود، ناشی از افکار همان رهبران مشروطیت اول بوده است که تلاش و کوشش آنها منجر به مشروطیت دوم شد و در سال (۱۲۹۴ ش، ۱۳۳۷ ق، ۱۹۱۵ م) با تصویب نخستین قانون اساسی به پیروزی رسید^۶. همچنین حسن ظفر آیبیک کسی است که در آن سال‌های مشروطه از هند به کابل آمده بود. او در خاطرات‌اش از حضور سه حلقه سیاسی که همه به درون دربار شاه منتهی می‌شد، سخن گفته است^۷. حلقه امان‌الله خان و محمود طرزی را آیبیک جریان مشروطه‌خواه توصیف کرده و آنها را از موافقان اصلی مشروطیت دوم افغانستان به حساب می‌آورد که در اقدامی دست به تصویب نخستین قانون اساسی می‌زنند. بعضی از پژوهشگران افغان بر نبود مرامنامه‌ی

۱. همان، ص ۹۴.

۲. فیرحی، داوود، «دین و دولت در عصر مدرن (دولت و مشارکت و مشروعیت)»، (تهران: رخداد نو، ۱۳۸۸)، ص ۷۶.

۳. لاگلین، مارتین، «نظریه مشروطه (درآمدی بر مبانی حقوق عمومی)»، مترجم: محمد راسخ، مجلس و پژوهش، شماره ۱۴، (۵۶)، ۱۴۵-۱۸۶، (۱۳۸۷)، ص ۳۹.

۴. همان، صص ۶-۷.

۵. مرادخانی، فردین، «مفهوم قانون در جدال فقیهان عصر مشروطه»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۱۳، (۱)، ۱۵۹-۱۸۲، (۱۳۹۴)، ص ۸.

۶. همان، ص ۲۰.

۷. موسوی، سید فضل الله، «مشروطه گرایی در جامعه بین المللی»، دوفصلنامه علمی پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۲۱، (۲)، ۳۴۴-۳۱۹.

۸. ۴۹۹، ۱۰۳۰، (۱۳۹۹)، صص ۵ و ۶.

رهبران و پیشگامان مشروطه ایراد می‌گیرند و می‌گویند اگر چنین جنبشی وجود داشت قطعاً ایده‌ها و اندیشه‌های آنها بر کسی پوشیده نبود و تا الان در دسترس قرار می‌گرفت. در پاسخ باید گفت: از آن‌جا که فعالین مشروطه‌خواه در فضای به شدت استبدادی دوران امیر حبیب‌الله خان و قبل از آن در دوره امیر عبدالرحمان خان به سرمی‌بردند بنابر اختناقی که وجود داشت نمی‌توانستند از خود مطالبی نشر کنند. خیزش‌های هم‌عصر این جنبش در کشور‌های پیرامونی نمی‌توان نادیده گرفت و شواهد و اسناد به‌جا مانده از انقلاب مشروطیت ایران گواهی بر چنین جنبش‌هاست. همچنین موافقان به این باور است که اگر جنبش مشروطه‌خواهی در مقیاس بالایی نبوده، ولی در حد خودش وجود داشته است و انکار چنین جنبشی خیانت به آرمان‌های مشروطه‌خواهان اول است. درست است جنبشی که به بسیج گسترده‌ی مردم، به تولید انبوه ایده‌ها و یا تعامل به اندیشه مدرنیته هم عصر خود نداشتیم؛ اما در مقیاس کوچک‌تر پیشگامانی وجود داشته‌اند که در شکل دادن مباحث در «حوزه عمومی» نام‌آشنای تاریخ معاصر بوده‌اند.^۱ با این وضع انکار از عدم جنبش مشروطه‌خواهی افغانستان بی‌انصافی بزرگی در حق آن ابرمردانی هست که جان‌شان را در راه تحقق مشروطه از دست دادند. با اینحال مشروطیت ایران نیز از خود موافقان و مخالفانی داشت. به ویژه روی اصول مشروطیت میان فقهاء و روحانیون جدال عظیمی رخ داد.^۲

۱-۸- نخستین قانون اساسی دوره مشروطه ایران و افغانستان

جنبش قانون اساسی مداری^۳ یک جنبش دموکراتیک است که خواستار تدوین و استقرار قانون اساسی در کشورها و تحدید قدرت و سامان سیاسی می‌باشد.^۴ هرچند مراحل دموکراتیک سازی در افغانستان در قالب چهار دوره تاریخی؛ نهضت مشروطیت اول و دوم (۱۹۰۷-۱۹۲۸)، دوره‌ی دموکراسی (۱۹۴۶-۱۹۵۳)، دهه‌ی قانون اساسی (۱۹۶۳-۱۹۷۳)، و دولت‌های موقت، انتقالی و جمهوری اسلامی (۲۰۰۱-۲۰۰۸) تقسیم بندی شده و در جهت مناسبات سیاسی-اجتماعی و حقوقی کوشش شده است.^۵ نهضت مشروطه‌خواهی در واقع واکنشی علیه استبداد و بی‌قانونی و لجام گسیختگی در سطح داخلی است که در طول قرن هفدهم و هجدهم ادامه داشته است و هنوز هم اعتبار و جایگاه حقوقی خود را دارد.^۶ در این جستار به قانون اساسی مشروطه ایران و افغانستان می‌پردازیم و مفاد این قوانین به بررسی می‌گیریم.

۱-۱-۸- جنبه‌های صوری و واقعی قانون اساسی مشروطه ایران و افغانستان

قانون اساسی مشروطیت ایران در ۱۵ مرداد/اسد ۱۲۸۵ به تصویب رسید و در ۵۱ اصل این قانون به مسایل متعدد از جمله تشکیل مجلس شورای اسلامی و وظایف، حدود و حقوق آن پرداخته است. این قانون اساسی دارای یک متمم و یک اصل الحاقی نیز می‌باشد که به اصولی چون: مذهب رسمی ایران، تأیید اعضای مجلس توسط شاهنشاه، حقوق ملت، قوای مملکت، حقوق اعضای مجلسین، حقوق سلطنت، شرایط عزل و نصب وزراء، اقتدارات محاکمات، انجمن‌های ایالتی و

۱. انجور، زرین، «محمود طرزی و اعلامیه استقلال افغانستان»، (کابل: بنیاد کاکر، ۱۴۰۱)، ص ۲۷.

۲. مرادخانی، فردین، «مفهوم قانون در جدال فقیهان عصر مشروطه»، فصلنامه حقوق اساسی، شماره ۱۳، (۱)، ۱۵۹-۱۸۲، (۱۳۹۴)، صص ۱۰-۱۲.

3. constitutionalism.

۴. ازندریانی، علی اکبر گرچی، «تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳۴، (۴)، ۱۶۵-۱۸۴، (۱۳۹۲)، ص ۲۶.

۵. همان، ص ۲۳.

۶. ارغندی، علی‌رضا، «مبانی اندیشه‌ی قانون‌گرایی میرزا یوسف خان مستشارالدوله»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره (۴)، ۲۷-۶۲، (۱۳۸۹)، ص ۱۱.

ولایتی، موضوعات مالی، قشون و موارد متفرقه پرداخته است.^۱ اما این قانون اساسی دارای دو جنبه صوری/قانونی و جنبه‌ی واقعی دارد. جنبه‌ی قانونی یا صوری قانون اساسی مشروطیت ایران، شاه براساس قانون اساسی ۱۲۸۵ پادشاهی می کرد. این قانون البته اهمیت فوق العاده و خارج از حدود عادی را برای قوه‌ی مجریه قایل نشده بود و ۵۱ اصل آن، گویی بر محور مجلس و اهمیت آن دور می زد. در این حال، در بخش متمم، قانونی است که مسایل مربوط به شاه و وزرا در فصل چهارم، پس از مباحث مربوط به مذهب حقوق مردم و اعضای مجلس مورد توجه قرار می گیرد. با این همه، با شروع پادشاهی پهلوی اول و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم است که با الحاق متمم هایی بر قانون اساسی، قدرت اجرایی، به ویژه قدرت شاه به گونه ای قابل ملاحظه افزایش می یابد. بنابراین، در دوره پهلوی دوم، پادشاه از اقتداری بسیار بیشتر برخوردار است. شاه قدرت خود را به واسطه وزرا و دستگاه اداری تحت امرش به اجرا درمی آورد و ریاست قوه ای مجریه را عهده دار بود. قدرت او در سه عرصه‌ای اساسی اجرایی، قضایی و اداری جریان می یافت.^۲ در عرصه تقنینی، قوه مقننه به وضع تهذیب قوانین اختصاص یافته بود که ناشی از اراده پادشاه، مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حق انشاء و تصویب قوانین را داشتند. در جنبه واقعی این قانون اساسی مشروطه پس از استقرار آن برپایی مجالس قانونگذاری، پایه‌ی قانونی رژیم های بعدی قاعدتاً براساس قانون اساسی ۱۲۸۵ گذاشته می شد. اما چیزی در واقعیت جریان داشت، آن بود که قانون اساسی به خصوص در حکومت پهلوی ها، تنها زمانی که لازم بود و مفید تلقی می گردید، به عنوان نقطه‌ای مرجع مورد توجه بود. آنچه که در عمل در این دوره وجود داشت این بود که قوه تقنینی و قضایی تابعی از قوه اجرایی و شاه بود. شاه به عنوان مرکز ثقل تمام قوا بالاترین نهاد تصمیم گیری هرگز مورد تعرض قرار نمی گرفت و دلخواهانه عمل می نمود.^۳

در سوی دیگر، نخستین قانون اساسی (نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان) که پس از مشروطیت اول و در آستانه موفقیت مشروطیت دوم در ۱۰ اسفند/حوت ۱۳۰۱ در ۷۳ ماده توسط لویه جرگه «مجلس بزرگان» در منطقه‌ی پغمان-کابل به تصویب رسید، با تلاش های مشروطه خواهان دوره اول و دوم که اتفاقاً در راس مشروطیت دوم شخص شاه امان الله، شاه تجددخواه افغانستان قرار داشت. به موجب این قانون برای بار اول در تاریخ افغانستان قدرت شاهی توسط قانون اساسی و موسسات سیاسی مثل هیئت وزراء شورای دولت و محاکم، محدود گردید و یک تعداد معین از حقوق سیاسی افراد مثل آزادی بیان و نشرات با مصونیت مسکن و محرمت مکاتبات تامین شد.^۴ مفاد این قانون اساسی مثل قانون اساسی مشروطه ایران، که خیلی به هم شباهت دارند به موارد ذیل اشاره نموده است: مذهب و دین رسمی افغانستان، صلاحیت ها و توصیف از خدمات شاه در راه ترقی میهن، حقوق عمومیه تبعه افغانستان، شرایط عزل و نصب و کیفیت مجالس و وظایف وزراء، وظایف مامورین دولت، وظایف مجلس مشاوره و اعضای شورای دولت، صلاحیت محاکم، دیوان عالی و طرز تشکیل آن، امور مالیه، اداره ولایات/استان ها، و موارد متفرقه (نخستین قانون اساسی افغانستان). به احتمال اغلب این قانون اساسی از قانون اساسی مشروطه ایران و فرانسه به کرات استفاده شده باشد زیرا از یک طرف نکات مشابه زیادند و از سوی دیگر، قانون اساسی افغانستان پس از ۱۶ سال از قانون اساسی دوره مشروطه ایران به تصویب رسیده

۱. حقدار، علی اصغر، «مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)»، (تهران: مهرنامگ، ۱۳۸۳)، ص ۱۵۱.

۲. محمدی، عاتکه، «بررسی تطبیقی مشروطه خواهی در ایران و افغانستان»، استاد راهنما: دکتر محمد علی حسینی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم، (۱۳۸۹)، ص ۶۳.

۳. همان، ص ۶۶.

۴. بخشی زاده، فاطمه، «مفهوم قانون در عصر مشروطه: نویسندگان متقدم»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره (۶۸)، ۱-۲۳، (۱۳۹۳)، ص ۲۳.

است. همچنین این قانون اساسی مثل قانون اساسی مشروطه ایران جنبه‌ی شکلی و واقعی داشته است. یعنی این قانون به شکل آرمانی با تأیید شاه امان الله خان به تصویب رسید اما در عمل هیچگاه به صورت واقعی اجرا نشد. حتی شاه بعداً متوجه محدودیت‌های صلاحیت خود شد، زیر قول و آرمان خود زد و تک تک مفاد نقش گردید. همین لطف شاه، در برابر قانون اساسی باعث استمرار استبداد شد که تا الان این وضعیت جاری است. بنابراین، نخستین قانون اساسی افغانستان گام بسیار ارزشمند در جهت قانون‌مند شدن امور حکومت و مردم و کشور را از حالت استبدادی و بی قانونی خارج ساخته و به کشورهای دارای قانون اساسی ملحق کرد.

نتیجه‌گیری

اصطلاح مشروطیت از ابتدا با سوء تفاهم‌ها و پیچیدگی‌های بسیاری همراه بوده که مستلزم بررسی دقیق و تامل است. اندیشمندان غربی، در تعریف مشروطیت گفته اند: مشروطیت مجموعه‌ای از ایده‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری است. برای تشریح این اصل که قدرت حکومت از قانون اساسی مشتق شده و به وسیله آن محدود گردیده است. با این تعریف به نظر می‌رسد ما در جامعه‌ی ایرانی و افغانی همچنان مسئله مشروطیت را حل نکرده‌ایم و هنوز هم درگیر آن هستیم. ظاهراً فراتر از مشروطه به جمهوری گام نهاده‌ایم، اما در عمل حتی اصول مشروطه را نیز نهاده‌ایم نکرده‌ایم. به خصوص این معضل بی قانونی صد سال است که دامنگیر مردم افغانستان شده و تا حالا هم ثباتی (در عرصه سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) وجود نداشته از بی قانونی بوده است. به قول مستشارالدوله تبریزی اگر این یک کلمه را داشتیم که دنیای ما متحول می‌شد، همان طوری که غرب را متحول ساخته است. بنابراین، از همان آغاز در ایران و افغانستان جنبش مشروطه‌خواهی به او معنای که در امریکا، انگلیس و فرانسه شکل گرفت در این دو کشور راه نکرده؛ یعنی نهادهای چون پارلمان به معنای واقعی کلمه و مفاهیمی چون قانون اساسی وجود داشته باشد تا از خودکامگی، خودرایی و خودپسندی یا از لجام گسیختگی قدرت پادشاه و اعوانش جلوگیری کند، نداشتیم. اما ایده‌ها، شخصیت‌ها و روشنفکران زیادی بودند که برای محدودسازی قدرت پادشاه در دم و دستگاه حکومت و ایجاد حکومت قانون تلاش کردند. انکار از چنین جنبشی به نام مشروطیت ظلم در حق آرمان‌ها و قربانی‌های کسانی هست چنین خواست و تحول بزرگی را مطرح و خلق کردند. به قاطعیت می‌توان گفت که مشروطه‌خواهان نیز از خود محدودیت‌های داشتند که پس از صد سال اینک درک می‌کنیم و به درستی می‌دانیم که مواجه شدن با حکومت‌ها و شاهان خودکامه چقدر دشوار است. از اینکه مشروطیت هر دو کشور جنبه ایدئوژیک به خود گرفت، سرنوشتی است که این دو نهضت با آن مواجه شدند. همچنین در فرایند این دو نهضت، شاهان هر دو کشور که با خودکامگی، استبداد و خودرایی بودن مشهور بودند، رهبران و رجال مهم جنبش مشروطه‌خواه برای خود اجازه ندادند، این نهضت در گام نخست به قانون اساسی‌مداری تبدیل شود و احساسات شاه را بر علیه خودشان بشورانند. برای همین در همان اوایل به جای قانون اساسی از نظام‌نامه استفاده کردند که که برای مردم عام مأنوس بود و در نهایت هر دو قانون اساسی ایران و افغانستان در نخست چنین اسم گرفتند و این مهم از نکات کلیدی دست‌آورد این مقاله است. اینک در پایان به وجوه اشتراک و افتراق، ارکان، اهداف، خاستگاه‌های مشروطه خواهان ایران و افغانستان به طور موجز و خلاصه اشاره می‌نماییم:

۱. وجه اشتراک و افتراق مشروطیت ایران و افغانستان: مشروطه خواهان هر دو کشور بطور مطلق برای

برقراری نظم و قانون‌خواهی تلاش می‌کردند و سعی داشتند تا نظام استبدادی حاکم از بین برود و دولت مطلقه به دولت مشروطه عبور کند تا مردم به رفاه برسند و زندگی شان براساس مقررات و نظام حقوقی پایدار استوار

گردد. ایجاد مجلس ملی و تاسیس قانون اساسی از مهمترین وجوه تشابه مشروطیت ایران و افغانستان به شمار می‌آید که در نهایت به آنها دست یافتند، اما فرایند این حرکت به چالش‌های عدیده‌ای مواجه گردید. مشروطه خواهان در دور اول مشروطه موفق شدند، اما بعداً مشروعه‌خواهان پیروز شدند مخصوصاً در ایران. آغازگر مشروطه در افغانستان روحانیون بودند، امثال مولوی محمد سرور خان و اصف سپس روشنفکران و شاه، اما در ایران رجال مشروطیت در نخست روشنفکران بودند، بعداً بعضی از فقهای موافق و مخالف مشروطه‌خواهی امثال آخوند خراسانی و شاگردانش و شیخ فضل الله نوری و طباطبایی و سپس بازرگانان/تجار. در ایران روشنفکران و بازرگانان با هم متفق بودند، اما روحانیون بر سر اصول مشروطه با هم اختلاف شدید داشتند. در افغانستان اما در مشروطیت اول که روحانیون آغازگر آن بودند، هیچ اختلافی میان شان دیده نمی‌شود، اما در مشروطیت دوم اختلافات میان روشنفکران و شاه اتفاق می‌افتد و استبداد مانع نهادینه شدن مفاهیم و نهادهای مدرن در این کشور می‌گردد و این جدال میان دو رویکرد سنت‌گرایان و تجددگرایان استمرار می‌یابد.

۲. **ارکان و رهبران مشروطیت ایران و افغانستان:** در ایران مشروطه سه رکن دارد: روشنفکران، روحانیون و بازرگانان/تجار، اما مشروطیت افغانستان غالباً دو رکن بیش دارد: روحانیون و بعضی از روشنفکران یا شاه سر اقتدار، شاه امان الله خان تجددخواه.

۳. **اهداف و خاستگاه‌های اصلی مشروطه‌خواهان ایران و افغانستان:** هدف اصلی مشروطیت ایران بازسازی و تاسیس مجلس شورای ملی یا پارلمان بود؛ ولی اهداف اساسی رهبران و مشروطه‌خواهان افغانستان استعمارزدایی، استبدادزدایی و وضع قانون اساسی و مقررات جهت پیشرفت کشور و رفاه ملت بود.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها:

۱- فارسی

۱. اشکوری، حسن (۱۳۷۶). دارای قافله (هفت مقاله در معرفی زندگی، آثار و افکار سید جمال الدین اسدآبادی)، تهران: جانپخش.
۲. آجنادی، لطف الله (۱۳۹۰). علماء و مشروطیت ایران، تهران: کتابنامه.
۳. آجودانی، ماشاء الله (۱۳۸۶). مشروطه‌ی ایرانی، تهران: اختران.
۴. آدمیت، فریدون (۱۳۹۴). فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت به اهتمام سید ابراهیم اشک شیرین، تهران: گستره.
۵. پاک‌روان، محمود (۱۳۷۹). زمینه و پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان، موسسه آموزشی و پژوهشی اما خمینی.
۶. پشتونیار، زرین انخور (۱۴۰۱). نهضت مشروطه خواهی؛ یک حرکت ملی و افغانی-روایتی از میر سید قاسم.
۷. پرغو، محمد علی (۱۳۹۶). مجموعه مقالات همایش ملی مشروطیت (رویکرد ها و جریان های فکری-سیاسی در مشروطیت ایران)، تبریز: دانشگاه تبریز.
۸. تقوی، سید مصطفی (۱۳۸۴). فراز و فرود مشروطه، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۹. توانی، علیرضا (۱۳۸۱). مشروطه و جمهوری (ریشه های نابسامانی نظم دموکراتیک در ایران)، تهران: گستره.

۱۰. تیرنی، برایان (۱۳۹۳). دین، قانون، و فکر پیدایش مشروطه، مترجم: حسین بادامچی و محمد راسخ، تهران: نگاه معاصر.
۱۱. جعفریان، رسول (۱۳۶۹). بررسی و تحقیق در جنبش مشروطیت، تهران: طوس قم.
۱۲. حبیبی، عبدالحی (۱۳۷۲)، جنبش مشروطیت در افغانستان، تهران: احسانی.
۱۳. حضرتی، حسن (۱۳۸۷). مشروطه ایرانی و عثمانی؛ بررسی تطبیقی، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۴. حقدار، علی اصغر (۱۳۸۳). مجلس اول و نهادهای مشروطیت (صورت مذاکرات، مصوبات، اسناد، خاطرات و تاریخ نگاری دوره اول مجلس شورای ملی)، تهران: مهرنامگ.
۱۵. دانش، سرور (۱۳۸۲). درآمدی بر وضع و تصویب قانون اساسی جدید افغانستان، کابل: تعلیمی دانشگاه نبراسکاه.
۱۶. دانش، سرور (۱۳۸۹)، حقوق اساسی افغانستان، کابل: مؤسسه تحصیلات عالی ابن سینا.
۱۷. زرگری نژاد، غلام حسین (۱۳۸۷). رسایل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۸. رسول زاده، محمد امین (۱۳۸۷). گزارش های از انقلاب مشروطیت ایران، مترجم: رحیم رئیس نیا، تهران: با همکاری شرکت نشر و پژوهش شیرازه کتاب.
۱۹. رهبری، مهدی (۱۳۸۸). مشروطیت و نوگرایی (تاریخ تحولات ایران در دوره قاجار)، دانشگاه مازندران.
۲۰. ستایش، محمود (۱۳۸۵). مشروطیت ایران، تهران: نشر ثالث.
۲۱. سنزل نوید، (۱۳۸۸). افغانستان در عهد امانیه ۱۹۱۹-۱۹۲۹، مترجم: محمد نعیم مجددی، نشر.
۲۲. صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳). رهبران مشروطه (مشمتمل بر ۲۴ بیوگرافی و شرح جالب و شگفت انگیز کلیه حوادث و وقایع نهشت مشروطه ایران)، جاویدان.
۲۳. صدر، عمر (۱۳۹۹). جمهوری و دشمنان آن (وضعیت جمهوری در افغانستان)، کابل: انستیتیوت مطالعات استراتژیک افغانستان.
۲۴. طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۳). درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر.
۲۵. علوی، ابوالحسن (۱۳۶۳). رجال عصر مشروطیت، چاپی؛ اساطیر و دیجیتال، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمه اصفهان، تهران:
۲۶. غبار، میر غلام محمد (۱۳۷۸)، افغانستان در مسیر تاریخ، ج ۲، کابل: میوند.
۲۷. فرهنگ، میر محمد صدیق (۱۳۷۴). افغانستان در پنج قرن اخیر، قم: وفایی.
۲۸. پوپلزائی، عزیزالدین و کیلی (۱۳۰۶-۱۳۰۷). سفرهای غازی امان الله در دوازده کشور آسیائی و اروپایی.
۲۹. فیرحی، داوود (۱۳۸۸). دین و دولت در عصر مدرن (دولت و مشارکت و مشروعیت)، تهران: رخ داد نو.
۳۰. کشکی، صباح الدین (۱۳۶۵)، دهه‌ی قانون اساسی (غفلت‌زدگی افغان‌ها و فرصت طلبی روس‌ها)، کابل: شورای ثقافتی جهاد افغانستان.
۳۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰). لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. لمر، احسان (۲۰۱۶). محمد محمد سرور واصف نخستین شهید راه مشروطیت و دموکراسی، کابل: قاموس کبیر افغانستان.

۳۳. محمدی، حمید رضا ملک (۱۳۸۴). سه نظام در یک نگاه (بررسی مقایسه‌ای حدود اختیارات و وظایف بالاترین مقام رسمی در ایران، فرانسه و آمریکا)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۳۴. مرادخانی، فردین (۱۳۹۶). خوانش حقوقی از انقلاب مشروطه ایران (تاریخ مفاهیم حقوق عمومی در ایران)، تهران: میزان.
۳۵. مرادخانی، فردین (۱۳۹۸). مقدمات مشروطه‌خواهی (آشنایی ایرانیان با مفاهیم حقوقی عصر قاجار)، تهران: سهامی.
۳۶. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۲۸۷). رساله یک کلمه، ویراستار: امیر حکیمی و آرش جودکی، سال پیاده سازی: ۱۳۳۴، کتابخانه ملی ایران.
۳۷. مسعود، سید (۱۳۷۵). ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد، پشاور-پاکستان.
۳۸. معین، محمد (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی، تهران: امیر کبیر.
۳۹. هاشمی، سعدالدین (۱۳۸۴). نخستین کتاب درباره جنبش مشروطه‌خواهی در افغانستان (در ربع اول قرن بیستم)، سنبه، کابل: افغانستان.
۴۰. یزدانی، سهراب (۱۳۹۸). کسروی و تاریخ مشروطه ایران، تهران.

الف ۱- پشتو (افغانستان)

۴۱. انجور، زرین (۱۴۰۱). محمود طرزی و اعلامیه استقلال افغانستان، کابل: بنیاد کاکر.
۴۲. کاکر، محمد حسن (۱۴۰۱). د خوان کاکر لیکنی، چاپ ۱، تدوین او سربزه: محمد زرین انجور، مطبعه: هاشمی خپرندویه تولنه، کابل: ورمی او اریانا مجلو کی د خپرو شویو مقالو تولنگه ۱۳۳۷-۱۳۴۰ ش، ۱۹۵۸-۱۹۶۴.

ب- مقاله‌ها

۴۳. ارغندی، علی‌رضا (۱۳۸۹). مبانی اندیشه‌ی قانون‌گرایی میرزا یوسف خان مستشارالدوله، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، (۴)، ۲۷-۶۲.
۴۴. ازندریانی، علی اکبر (۱۳۹۶). بررسی معیار مشروطیت در دولت مدرن و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۱ (۱۶)، ۱۴۵-۱۷۴.
- <https://doi.org/10.22054/tssq.209.9594>
۴۵. ازندریانی، علی اکبر گرجی (۱۳۹۲). تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۴، (۴)، ۱۶۵-۱۸۴. DOI: ۲۰۱۴.۵۰۱۱۱JLQ./۱۰.۲۲۰۵۹
۴۶. افسرده، عطاءالله (۱۳۹۷). واکاوی جایگاه حقوق طبیعی فرد در قانون اساسی مشروطه، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۳، (۳)، ۳۶-۷. DOI: ۲۰۱۰۰۱.۱۰۱۷۳۵۷۹۰.۱۳۹۷.۱۳.۳.۱.۷
۴۷. بخشی زاده، فاطمه (۱۳۹۲). پیش‌زمینه مفهوم قانون در عصر مشروطه: از مالک الرقاب تا تنظیمات، مجله حقوقی دادگستری، ۱۰۳، (۸۳)، ۳۷-۷۲. <https://doi.org/10.22106/jlj.10.22106>
۴۸. بخشی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۳). مفهوم قانون در عصر مشروطه: نویسندگان متقدم، فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۶۸)، ۲۳-۲۰. <https://doi.org/10.22106/jlj.10.22106>

۴۹. جعفری ندوشن، علی اکبر (۱۳۹۹)، بررسی مبانی حقوقی و تاریخی تطورات قانون اساسی مشروطه، پژوهش های علوم تاریخی، ۱۲، (۳)، ۴۷-۶۷.
۵۰. جلیلوند، محمد شهاب (۱۳۹۶). بررسی معیار مشروطیت در دولت مدرن و جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دولت پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴، (۱۶)، ۱۴۵-۱۷۴. DOI: ۲۰۰۹.۹۵۹۴tssq./۱۰.۲۲۰۵۴
۵۱. حائری، عبدالهادی (۱۳۸۵). واژه‌ی مشروطه، فصلنامه سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۳.
۵۲. رزگری نژاد، غلام حسین (۱۳۸۲). قانون حکومت ایران (سومین قانون اساسی عصر ناصری)، مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، ۴، (۱)، ۱۱۱-۱۳۷. DOI: ۱۰.۴۵ ۲۱/۶/۱۳۹۶
۵۳. ساسان‌پور، شهرزاد (۱۳۹۰). ناکامی اصلاحات امان الله خان و شکل‌گیری حکومت بچه‌سقا (سقا) در افغانستان، مطالعات تاریخ اسلام، ۸، (۸). DOI: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۲۲۲۸۶۷۱۳.۱۳۹۰.۳.۸.۵.۸
۵۴. سلطانی، ناصر (۱۳۹۸). مفهوم برابری در مقابل قانون در مشروطیت ایران و آلمان ۱۸۴۹، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق و علوم سیاسی، ۶، (۴)، ۱-۲۶. DOI: ۲۰۱۹.۴۱۴۱.۱۵۳۶CSIW./۱۰.۲۲۰۹۱
۵۵. گلستانی، حامد عامری (۱۴۰۱). تجربه قانون‌نویسی سیاسی در عصر ناصری: تحلیلی گفتمانی، نشریه علمی-پژوهشی مطالعات کشورها، ۱، (۱)، ۳۱-۶۶. DOI: ۲۰۲۳.۹۱۶۲۰JCOUNTST./۱۰.۲۲۰۵۹
۵۶. لاگلین، مارتین (۱۳۸۷). نظریه مشروطه (درآمدی بر مبانی حقوق عمومی)، مترجم: محمد راسخ، مجلس و پژوهش، ۱۴، (۵۶)، ۱۴۵-۱۸۶.
۵۷. محمد، نصیر مهرین (۱۳۸۴). درآمدی بر تاریخ تجدد در افغانستان (۱۸۶۹-۱۹۱۹م)، ایران‌نامه-ادبیات و زبان‌ها، انتشار: کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران، ۸۵، (۸۶)، ۲۵-۴۶.
۵۸. مرادخانی، فردین (۱۳۹۱). آشنایی ایرانیان با مفهوم پارلمان در انقلاب مشروطه و مجلس اول، دانشگاه شهید بهشتی، (۱۲)، ۴۳۱-۴۹۲.
۵۹. مرادخانی، فردین (۱۳۹۲). تکوین مفهوم قانون اساسی در انقلاب مشروطیت ایران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۳، (۴)، ۱۶۵-۱۸۴. DOI: ۲۰۱۴.۵۰۱۱۱JLQ./۱۰.۲۲۰۵۹
۶۰. مرادخانی، فردین (۱۳۹۴). مفهوم قانون در جدال فقیهان عصر مشروطه، فصلنامه حقوق اساسی، ۱۳، (۱)، ۱۵۹-۱۸۲.
۶۱. مرادخانی، فردین (۱۴۰۰). تحولات تاریخی مفهوم مدرن قانون اساسی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، (۱۰۰)، ۲۹۷-۳۲۸.
۶۲. مرادخانی، فردین (۱۴۰۱). مفهوم قانون در اندیشه میرزا ملکم خان، سیاست‌پژوهی اسلامی ایرانی، ۱، (۱)، ۱۳۷-۱۶۶. DOI: ۲۰۱۹.۳۵۳۳CPS./۱۰.۳۰۴۶۵
۶۳. مشعوف، میر محمد یعقوب (۱۳۸۲). روشنفکران افغانستان در گذر زمان، فصلنامه خط سوم، (۴).
۶۴. موسوی، سید فضل الله (۱۳۹۹)، مشروطه گرایی در جامعه بین‌المللی، دوفصلنامه علمی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۲۱، (۲)، ۳۱۹-۳۴۴. DOI: ۲۰۲۰.۱۳۶۵۸.۲۶۳۲law./۱۰.۳۰۴۹۷
۶۵. ناصری، عبدالمجید (۱۳۷۱). پیشینه جنبش اصلاحی در افغانستان-قسمت اول، ادیان و مذاهب و عرفان معرفت، (۳)، ۱۰-۳.

۶۶. یاور، مجتبی (۱۳۹۳). حکمرانی، دولت و توزیع قدرت در گفتمان ترقی ایران عصر ناصری، دلت پژوهی، ۱، (۱)،

DOI: ۲۰۱۵.۱۵۱۰/tssq.۱۰.۲۲۰۵۴ <https://doi.org/>

ج- پایان نامه‌ها

۶۷. ابراهیمی، سلیم (۱۳۹۸). اصلاحات فرهنگی افغانستان در زمان حکومت امان الله خان، استاد راهنما: دکتر ساماعیل چنگیزی اردهایی، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، دانشگاه مذاهب اسلامی.

۶۸. تقی‌زاده، لطف الله (۱۳۹۹). بررسی تأثیرات فکری و فرهنگی عثمانی و منطقه قفقاز بر نهضت مشروطه ایران، پایان نامه دکتری، دانشکده تاریخ گرایش ایران دوره اسلامی، دانشگاه پیام نور، استاد راهنما: محمد رضا نصیری.

۶۹. سعیدی، زینب (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی ورود مفهوم قانون در بستر مشروطه ایرانی و تنظیمات عثمانی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر فیروز اصلانی.

۷۰. محمدی، عاتکه (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی مشروطه خواهی در ایران و افغانستان، استاد راهنما: دکتر محمد علی حسینی زاده، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم.

۷۱. نجفی، خدیجه (۱۴۰۰). بررسی مفهوم مشروطه در آثار و اندیشه محمود طرزی (۱۳۴۴-۱۳۱۲)، استاد راهنما: دکتر مرتضی منشادی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، پایان نامه کارشناسی ارشد.

۷۲. نوریان، ابوذر (۱۳۹۷). مفهوم قانون در مجلس اول مشروطه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: سید ناصر سلطانی.

د- قوانین و نظام نامه‌ها

۷۳. نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان، ۱۳۰۰.

۷۴. نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان، ۱۳۰۲.

۷۵. نظامنامه تشکیلات اساسیه افغانستان، ۱۳۰۵.

۷۶. قوانین اساسی افغانستان، سرور دانش، ۱۳۸۶.

۷۷. نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان، ۱۳۰۲.

۷۸. نخستین قانون اساسی افغانستان (نظامنامه دولت علیه افغانستان)

۷۹. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲.

۸۰. قانون اساسی مشروطه ایران ۱۲۸۵.

۸۱. قانون اساسی ایران ۱۳۶۸.

۲- عربی

۸۲. الجزائری، زینب شریف (۲۰۰۰). العرف الدستوری و دوره فی بعض الدساتیر المعاصره-رساله ماجستير، کلیه القانون، جامعه بغداد.

۸۳. الساعدي، حمید (۱۹۹۰). مبادئ القانون الدستوری و تطور النظام السياسي فی العراق، مطابع: دارالحکمه، الموصل.

۸۴. شیخا، ابراهیم عبدالعزيز (۱۳۸۲). المبادئ الدستوريه العامه-الدار الجامعه، بيروت.

۸۵. العزی، احمد النقشبندی (۱۹۹۴). تعديل الدستور، رساله دكتوراه-کلیه القانون، جامعه بغداد.

٨٦. المفرجي، احسان (٢٠٠٠). الفن الدستوري بين الاتجاهات الدحيثه و الاتجاهات الدستوريه العربيه-محاضرات القيت على طلبه التوراه-كلييه القانون، جامعه بغداد.

٣- انگليسي

87. Don, E. Fehrenbacher (1989). *Constitutions and Constitutionalism in the slaveholding south*, University of Georgia press.
88. Fleiner, Thomas & Lidija R. Basta Fleiner (2009). *Constitutional Democracy* English translation from the German, 3rd revised edition *Allgemeine Staatliche* by Katy Le Roy, Berlin: Springer-Verlag Heidelberg. DOI:10.1007/978-3-540-76412-0
89. Loughlin, Loughlin (2022). *Against Constitutionalism*, Printed in the United States of America, Harvard University Press Cambridge, Massachusetts, & London, England. ISBN 9780674268029
90. Mueller, Dennis C. (1996). *Constitutional Democracy*, University PRESS, OXFORD New York, Copyright © 1996 by Oxford University Press.
91. Tierney, Brian (1979). *Church Law and Constitutional Thought in the Middle Ages*, London, Published in Great Britain by VARIORUM REPRINTS. ISBN0860780368.

Abstract

Constitutionalism is actually the idea of lawlessness that takes away the power of the rulers and creates a new mold on it and distributes it so wisely that they never want to be arbitrary. This historical transformation was created by the creation of intellectual currents in a mechanism to limit the power of the Shah, which jurists consider to be the "movement of limiting power in a particular land, which takes place in view of the current situation in that country. The movement also took place in two neighboring countries- Afghanistan and Iran, and historically they have a lot in common. This article has tried to highlight the causes and contexts, men, goals and achievements of both conditioning movements from a comparative perspective with the legal reading approach, while examining the similarities and differences. The intellectuals of the Iranian-Afghanistan Constitutionalism movement, a movement that had taken place in other countries, including Britain, the United States, and France, under the title: constitutionalism, have defined it as Constitutionalism, now that it means more closely related constitutionalism. Now, after more than a hundred Iranians and Afghans still have concerns that are caused by these movements, what the Constitutionalism understood and understood about this movement. Studies show that one of the main reasons why conditional pioneers interpreted the word as conditional was not because of the elite's lack of superficial understanding of conditional and time constraints, but rather because of the socio-cultural responsiveness and sensitivities of the time to the word "law".

Keywords: constitution, restriction, law, government, tyranny, monarchy, power.